

پاسخ نامه کیفری

سوال ۱۰۱

ماده ۹ بیان می کند که ارتکاب جرم می تواند منجر به دو نوع دعوا شود:

۱. دعوای عمومی به منظور حفظ حدود الهی، حقوق جامعه و نظم عمومی (معمولاً توسط دادستان طرح می شود)،

۲. دعوای خصوصی که بزه دیده برای مطالبه ضرر و زیان یا برخی کیفرها با ماهیت خصوصی (مانند حد قذف یا قصاص) مطرح می کند.

این دو دعوا می توانند مستقل از هم یا همزمان مطرح شوند و هر یک تابع قواعد خاص خود است.

سوال ۱۰۲

گزینه ۱: غلط است. چون ماده ۲۰ آدک صراحتاً می گوید

سقوط دعوای عمومی موجب سقوط دعوای خصوصی نیست.

گزینه ۲: غلط است. حتی اگر قرار منع تعقیب صادر شود، دادگاه کیفری مکلف به رسیدگی به دعوای خصوصی در صورت طرح آن است.

گزینه ۳: نادرست است. دعوای خصوصی می تواند مستقل از نتیجه دعوای عمومی رسیدگی شود.

گزینه ۴: درست است. حتی اگر تعقیب کیفری متوقف یا موقوف شود یا برائت صادر گردد، دادگاه کیفری باید به دعوای خصوصی رسیدگی کند.

سوال ۱۰۳ 

گزینه ۱: نادرست است. ضابط بودن نیازمند گذراندن آموزش و دریافت کارت ضابطان است. صرف شغل کافی نیست.

گزینه ۲: نادرست است. وثاقت شرط لازم هست ولی

کافی نیست. آموزش و کارت مخصوص نیز لازم است.

گزینه ۳: درست است. طبق ماده ۳۰۰ آدک، تحقیقات توسط اشخاص فاقد کارت، ممنوع و فاقد اعتبار است.

گزینه ۴: غلط است. حتی اگر قاضی مطلع باشد، اقدامات فاقد کارت ضابط، قانونی نیست و اعتبار ندارد

سوال ۱۰۴ 

گزینه ۱: درست است. طبق ماده ۳۶، اگر گزارش با اوضاع و احوال و قرائن مسلم پرونده در تضاد باشد، اعتبار قانونی ندارد؛ هرچند ظاهراً قانونی تنظیم شده باشد.

سوال ۱۰۵ 

گزینه ۱: نادرست است. فرد ناشناس و بدون ارائه دلیل یا مدرک، در ردیف اشخاص موثق و مطمئن قرار

نمی‌گیرد؛ لذا نمی‌تواند از جهات شروع به تعقیب باشد.

گزینه ۲: درست است. مطابق بند «ت» ماده ۶۴ آدک اظهار و اقرار متهم از جهات قانونی شروع به تعقیب است، حتی اگر شاکی خصوصی وجود نداشته باشد.

گزینه ۳: نادرست است. شایعه، آن هم بدون مستندات یا اظهار از سوی منبع موثق، نمی‌تواند دلیل قانونی برای شروع تعقیب باشد.

گزینه ۴: نادرست است. فردی که فاقد اعتبار یا وثاقت باشد، اعلام او از جهات قانونی شروع تعقیب نیست.

سوال ۱۰۶ 

گزینه ۱: نادرست است؛ چون سرقت ساده در سطح یک مغازه محلی، امر مهم منتهی به اخلال در نظم و امنیت عمومی تلقی نمی‌شود.

گزینه ۲: نادرست است؛ مصرف مواد مخدر توسط یک

کارمند، گرچه جرم است، اما فاقد شرایط استثنایی
اخلال در نظم عمومی یا وجود قرائن همراه است.

گزینه ۳: درست است. وجود بسته‌های مشکوک در
محوطه یک مرکز نظامی، از مصادیق بارز اخلال در
امنیت عمومی است و حتی اگر گزارش فاقد هویت
باشد، می‌تواند مبنای شروع به تعقیب قرار گیرد.

گزینه ۴: نادرست است؛ چون صرف ادعای بدهی
شخصی، هم فاقد هویت است، هم فاقد وصف اهمیت
و تأثیر بر نظم عمومی.

سوال ۱۰۷ 

مطابق ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرائم
قابل گذشت، شاکی می‌تواند تنها یک بار و حداکثر تا
یک سال پس از صدور قرار ترک تعقیب، درخواست
تعقیب مجدد کند. در این مسئله، هنوز ۹ ماه گذشته و
این اولین درخواست شاکی است.

سوال ۱۰۸ 

بر اساس ماده ۸۰، در جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸، اگر شاکی گذشت کند یا شاکی وجود نداشته باشد و متهم فاقد سابقه کیفری مؤثر باشد، مقام قضایی می‌تواند فقط یک بار و با اخذ التزام کتبی، از تعقیب صرف‌نظر کرده و قرار بایگانی صادر کند.

سوال ۱۰۹

طبق ماده ۱۰۲ ادک، تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است مگر در موارد خاص از جمله وقتی که جرم در مرئی و منظر عام (یعنی در انظار عمومی) واقع شود. در سایر موارد مانند قصد اقرار بدون شاکی، قاضی حتی توصیه به عدم اقرار می‌کند.

سوال ۱۱۰

مطابق ماده ۱۱۰، رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته بر عهده بازپرس است و فقط اشکالات ناشی از اجرای آن توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام برطرف می‌شود.

سوال ۱۱۱

مطابق ماده ۱۲۱، در صورت بازداشت متهم در اجرای نیابت قضایی، اظهارنظر ابتدا با دادستان محل اجرای نیابت است و سپس در صورت اعتراض متهم، دادگاه صالح در همان محل (محل اجرای نیابت) به اعتراض رسیدگی می‌کند.

سوال ۱۱۲

مطابق ماده ۱۵۰ آدک، کنترل ارتباطات مخابراتی افراد اصل بر ممنوعیت دارد، مگر در موارد خاص مانند تهدید امنیت داخلی یا خارجی یا جرائم مهم موضوع بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲ که در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و تعیین مدت و دفعات ممکن است.

برای مقامات موضوع ماده ۳۰۷، کنترل فقط با تأیید رئیس قوه قضاییه مجاز است.

سوال ۱۱۳

بر اساس ماده ۱۵۸، اگر کارشناس در مهلت تعیین شده

نظر خود را ندهد، کارشناس دیگری تعیین می‌شود. اما اگر پیش از انتخاب یا اخطار به کارشناس جدید، نظر قبلی برسد، قابل ترتیب اثر است. همچنین بازپرس موظف است تخلف کارشناس را به مرجع صلاحیت‌دار گزارش کند.

سوال ۱۱۴

طبق ماده ۱۶۷ ادک، اگر کارشناس مرتکب تخلف شود و یکی از طرفین از این تخلف متضرر گردد، حق دارد بر اساس مقررات مربوطه از کارشناس مطالبه خسارت کند.

سوال ۱۱۵

مطابق ماده ۱۸۰ ادک، در جرایم تعزیری درجه پنج و بالاتر، در صورتی که بیم فرار، تبانی یا اختفای متهم وجود داشته باشد، بازپرس می‌تواند بدون ارسال احضاریه، دستور جلب صادر کند. سایر بندهای ماده شامل جرایم با مجازات شدیدتر یا عدم شناسایی محل اقامت نیز این اختیار را به بازپرس می‌دهد.

سوال ۱۱۶

بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۸۴ آ. د. ک. ، بازپرس می تواند در صورت ضرورت برگه جلب را در اختیار شاکی قرار دهد، اما جلب باید توسط ضابطان صورت گیرد. و طبق تبصره ۳، ورود به منزل یا محل کار متهم یا دیگری نیازمند حکم ورود از مقام قضایی است. در گزینه «ج»، هر دو شرط رعایت شده است.

سوال ۱۱۷

طبق ماده ۱۹۲، در جرایم قابل گذشت، رسیدگی در دادسرا حتی الامکان به صورت ترافعی انجام می شود و بازپرس مکلف است در صورت امکان، برای صلح یا میانجی گری تلاش کند.

سوال ۱۱۸

بر اساس ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری، سکوت متهم فقط باید در صورت جلسه ثبت شود و نباید آن را قرینه ای بر مجرمیت تلقی کرد. تفسیر سکوت به عنوان پذیرش اتهام، با اصل برائت مغایر است و نقض حقوق

دفاعی متهم محسوب می شود.

سوال ۱۱۹ 

مطابق ماده ۲۰۲، در صورت احراز جنون متهم در زمان ارتکاب جرم، بازپرس باید پس از اخذ نظر پزشکی قانونی، قرار موقوفی تعقیب صادر و پرونده را به دادستان ارسال کند. قرار منع تعقیب در این حالت موضوعیت ندارد.

سوال ۱۲۰ 

مطابق ماده ۲۱۳، تفهیم اتهام به کسی که به عنوان متهم احضار نشده، مانند شاهد یا مطلع، ممنوع است. اگر وی در مظان اتهام قرار گیرد، باید طبق مقررات و برای وقت دیگر به عنوان متهم احضار شود.